

## درس هفتم: معانی الأفعال الناقصة

نواسخ: کلماتی هستند که بر سر جمله اسمیه (مبتدا + خبر) می آیند. و عبارتند از:

۱. افعال ناقصه: « كان، صار، ليس، أصبح »

۲. افعال مقاربه: « كاد (نزدیک بود/است)، عسى (چه بسا، امید است)، أخذ، بدأ (شروع کرد) »

۳. حروف مشبّه بالفعل: (مربوط به عربی دوازدهم)

۴. لای نفی جنس: (مربوط به عربی دوازدهم)

همانطور که از عنوان درس پیداست؛ در این درس به بررسی افعال ناقصه می پردازیم.

در ابتدا به سراغ فعل « كان » می رویم که مهمترین و پرکاربردترین فعل این گروه است؛ بطوریکه به افعال ناقصه می گویند « كان و أخواتها » یعنی كان و برادرانش.

« كان و مشتقات آن » دارای چند معنی است:

۱. به معنای « بود »؛

مثال: كان الجو بارداً. هوا سرد بود. كانت مريم مريضة. مريم بیمار بود.

۲. به معنای « است »؛ (بیشتر در آیات قرآن)

مثال: إن الله كان غفوراً رحيمًا. قطعاً خداوند آمرزنده و مهربان است.

۳. كان و مشتقات آن + فعل مضارع = ماضی استمراری (فعل کمکی)

مثال: كانوا يستمعون إلى القرآن. به قرآن گوش می دادند.

كان يأمر أهله بالصلاة والزكاة. خانواده اش را به نماز و زکات دستور می داد.

۴. كان و مشتقات آن + (قد) + فعل ماضی = ماضی بعید (فعل کمکی)

مثال: كان التلميذ ذهب إلى المدرسة. دانش آموز به مدرسه رفته بود.

\* «قد»، گاهی مورد استفاده قرار می گیرد.\*

مثال: كُنْتُ قَدْ رَأَيْتُ وَجْهَ السَّارِقِ. چهره دزد را دیده بودم.

### ۵. کان + لَ یا عِنْدَ = داشتن

مثال: كَانَ لِي سَيَّارَةٌ. ماشینی داشتم. كَانَ عِنْدَكَ قُبْعَةٌ. کلاه‌ی داشتی.

### منظور از مشتقات «کان» چیست؟

«کان» یک فعل ماضی است که می‌تواند به صورت زیر صرف شود.

| او   | كَانَ بود               | كَانَتْ بود             | تو  | كَانْتَ بودی              | كَانْتِ بودی              |
|------|-------------------------|-------------------------|-----|---------------------------|---------------------------|
| آنها | كَانَا بودند (دو نفر)   | كَانَتَا بودند (دو نفر) | شما | كَانْتُمَا بودید (دو نفر) | كَانْتُمَا بودید (دو نفر) |
|      | كَانُوا بودند (چند نفر) | كَانُوا بودند (چند نفر) |     | كَانْتُمْ بودید (چند نفر) | كَانْتُمْ بودید (چند نفر) |
| من   |                         | كَانْتُ بودم            | ما  | كَانَّا بودیم             | كَانْتُمْ بودیم           |

هر کدام از این مشتقات «کان» می‌تواند در جمله مورد استفاده قرار گیرد.

\* مشتقات کان با توجه به شخص (صیغه) با فعلی که بعد از آن می‌آید مطابقت می‌کند.

مثال: کَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ. با دقت می‌نوشتند.

کَانُوا (لِلغَائِبِينَ / سوم شخص جمع) يَكْتُبُونَ (لِلغَائِبِينَ / سوم شخص جمع)

كَانَّا قَدْ وَصَلْنَا إِلَى الْحَافِلَةِ. به اتوبوس رسیده بودیم.

كَانَّا (مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ / اول شخص جمع) وَصَلْنَا (مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ / اول شخص جمع)

**نکته ۱:** مضارع کان «يَكُونُ» به معنی «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

مثال: قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا. گاهی در بین مردم کسی بهتر از ما می‌باشد.

إِذَنْ كُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ. بنابراین با خودت صادق باش.

**نکته ۲:** صَارَ و أَصْبَحَ هر دو به معنی «شد یا گردید» هستند. مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» هر دو به معنی «می‌شود یا می‌گردد»، است.

مثال: صَارَ الْمَبْلَغُ مِائَتِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. مبلغ دویست هزار تومان شد.

يَصِيرُ الْأَرْضُ مَخْضَرَةً بَعْدَ الْمَطَرِ. زمین پس از باران سرسبز می‌گردد.

مثال: أَصْبَحَ الْجَوُّ ثُلْجِيًّا. هوا برفی شد.

الآن يَصِيحُ الْبَيْتُ نَظِيفًا. اکنون خانه تمییز می‌شود.

**نکته ۳:** لیس به معنی «نیست» حالت مضارع ندارد.

لَيْسَ حَارِسٌ مَرَمَى فِي الْمَرَمَى. دروازه‌بان در دروازه نیست.

\* لیس + لِ به معنی : ندارد. مثال: لَيْسَ لَهُ صَدِيقٌ. دوستی ندارد.

۴۳. عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي يَدُلُّ عَلَى الْبَعِيدِ فِي الْفَارْسِيَّةِ:

(۱) ما كانت أخته تستطيع أن تتكلم و هي بكاء!

(۲) ليست المشاكل قادرةً على هزيمة كل شخص!

(۳) كانت كل الحقائق ملئت بالأزهار الجميلة!

(۴) لن تكون من أقوياء الناس ألا تتوكل على الله!

در کدام گزینه ماضی بعید وجود دارد.

پاسخ: در گزینه ۱ (كانت + تستطيع: ماضی استمراری) - در گزینه ۲ (خبری از كان نیست) - در گزینه ۳ (كانت + ملئت: ماضی بعید) - در گزینه ۴ (لن + فعل مضارع: آینده منفی).

۴۴. عَيْنَ مَا لَيْسَ مُعَادِلًا لِلْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِي الْفَارْسِي:

(۱) كان البستان يغرق في الجمال في الفصل الربيع!

(۲) كانت الصّعب تذلل أخى بسبب عدم توكله!

(۳) كان البلاء يقطع رجائي في الأيام الماضية!

(۴) كان الطالب الحاذق محبوباً عند الآخرين!

در کدام گزینه معادل ماضی استمراری وجود ندارد.

پاسخ: در گزینه ۱ (كان + يغرق = ماضی استمراری) - در گزینه ۲ (كانت + تذلل = ماضی استمراری) - در گزینه ۳ (كان + يقطع = ماضی استمراری) - در گزینه ۴ (كان = بود).

۴۵. عَيْنَ الْفِعْلِ الْناقص لَا يَدُلُّ عَلَى الزَّمنِ الْمَاضِي:

(۱) كانت لها ثقافة طيبة!

(۲) كان الدرس مليئاً بالسؤال!

(۳) كانت الأرض في الربيع مخضرة!

(۴) كان لهم خلق طيب في الحياة!

در کدام گزینه فعل ناقصه به زمان ماضی دلالت نمی‌کند.

**پاسخ:** در گزینه ۱ کانت + لِ داشت - در گزینه ۲ کان: بود (درس پر از سوال بود) - در گزینه ۳ کانت: است (زمین در بهار سرسبز است) - در گزینه ۴ کانت + لِ داشت.

### «سنجه‌های چهارگزینه‌ای»

۴۶. «كان المعلم قد طرح أسئلة صعبة لتنبیه تلميذه المشاغب بهدف تربوي»

- ۱) معلم مسائل دشواری بخاطر توجه کردن دانش آموزان اخلاک‌گر خویش با اهداف تربیتی طرح می‌کرد!
- ۲) آموزگار سوال‌های مشکلی برای تنبیه شاگرد آشوبگر خود با غرض تربیت کردن او طرح کرد!
- ۳) آموزگار موارد دشوار تربیتی را برای شاگرد آشوبگرش با هدف ادب کردنش طرح کرده بود!
- ۴) معلم سوالات سختی را برای آگاه ساختن دانش آموز اخلاک‌گرش با هدف تربیتی طرح کرده بود!

**پاسخ:** در گزینه ۱ طرح می‌کرد، اشتباه ترجمه شده است. کان + (قد) + طرح = ماضی بعید - در گزینه ۲ طرح کرد، اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۳ موارد دشوار تربیتی، با هدف ادب کردنش، اشتباه ترجمه شده است.

۴۷. «كان الأستاذ يلقي محاضرة في الجامعة حول أهمية تعلم اللغة العربية واللغات الأخرى!» استاد.....

- ۱) درباره اهمیت یادگیری زبان عربی و دیگر زبان‌ها در دانشگاه سخنرانی‌ای ایراد می‌کرد!
- ۲) پیرامون اهمیت زبان عربی و زبان‌های دیگری در دانشگاه به سخنرانی پرداخت!
- ۳) راجع به مطلب اهمیت آموزش زبان عربی و دیگر زبان‌ها در دانشگاه به سخنرانی می‌پردازد!
- ۴) درباره موضوع مهم بودن آموختن زبان عربی و بقیه زبان‌ها در دانشگاه ایراد سخنرانی‌ای کرد!

**پاسخ:** در گزینه ۲ سخنرانی پرداخت، اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۳ سخنرانی می‌پردازد، اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۴ ایراد سخنرانی‌ای کرد، اشتباه ترجمه شده است. در گزینه ۱ (کان + یلقی = ماضی استمراری).

**یادآوری:** کان و مشتقات آن + فعل مضارع = ماضی استمراری.

۴۸. «لَمَّا نَقَلْتُ لَصَدِيقِي الْخَبَرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مَرَارًا قَبْلَ هَذَا!»

- ۱) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

**پاسخ:** در گزینه ۱ کنت أسمع: ترجمه صحیح: می‌شنیدم (ماضی استمراری) - در گزینه ۳ کنت قد سمعت: ترجمه صحیح: شنیده بودم (ماضی بعید) - در گزینه ۴ شنیده بودم و شنیده‌ام به ترتیب اشتباه ترجمه شده است.

## ۴۹. «عَيْنُ الْخَطَا!»:

- ۱) كُنْتُ فَرَحْتُ مِنْ أَنَّ الْحَسَنَاتِ تُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ: از اینکه خوبیها، بدیها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
- ۲) كَادَتْ بَنَتِي تَجْهَرُ بِغَضِبِهَا عِنْدَ الصُّيُوفِ لَمَّا نَصَحْتُهَا: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشم را آشکار کند.
- ۳) كُنْ سَاكِنًا وَ رَاقِبًا أَنْ لَا يَجْرِيَ عَلَى لِسَانِكَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری جاری نشود!
- ۴) لَمَّا بَدَأَتْ بِأَنْ تَعِيبَ الْآخِرِينَ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ نَفْسَهُ مِنْ أَكْبَرِ الْعُيُوبِ: وقتی شروع به عیب گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودش از بزرگترین عیبه‌ها است.

**پاسخ:** در گزینه ۲ «دخترم» را به جای ضمیر (ها) ترجمه کرده است. ترجمه صحیح: نزدیک بود دخترم خشمش را آشکار کند وقتی او را نزد مهمانان نصیحت کردم.

\* کادت: به معنی نزدیک بود. فعل مضارع بعد از آن به صورت التزامی ترجمه می‌گردد.

**یادآوری:** در گزینه ۱ کنتُ فرحت: مشتقات کان + فعل ماضی = ماضی بعید - در گزینه ۳ کُنْ: باش، فعل امر و از مشتقات کان، لیس لک: نداری - در گزینه ۴ بدأت: شروع کردی.

## ۵۰. «لِي الْآنَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ وَ مَا كَانَ لِي قَبْلَ هَذَا أَكْثَرُ مِنْ مِائَةِ كِتَابٍ»

- ۱) فعلاً کتابخانه‌ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ۲) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشت!
- ۳) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال اینکه قبل از این بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ۴) کتابخانه‌ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیشتر از صد کتاب نداشت!

**پاسخ:** در گزینه ۱ فقط: معادل عربی ندارد، ما کان لی: نداشتم، داشتم اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۲ کتابخانه من (کتابخانه)، است (دارم) و نداشت (نداشتم) اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۴ که بزرگ است و نداشت، اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۳ همه موارد رعایت شده است.

## ۵۱. «يَكُونُ لِلْكِتَابِ وَ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ دَوْرٌ مَهْمٌ فِي ازْدِيَادِ الْمَعْرِفَةِ وَ قُوَّةِ الْفَهْمِ، وَ رَمَاهَا يَغْيِرُ أَسْلُوبَ الْحَيَاةِ!»

- ۱) کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدیاد شناخت و قوه درک دارد و باعث تغییرات در روش زندگی می‌شود!
- ۲) برای کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی است در زیادی معرفت و نیروی فهم و بسا که با آن روش زندگی تغییر کند!
- ۳) برای کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدیاد معرفت و قوه درک است و چه بسا روشهای زندگی را تغییر دهد!
- ۴) کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی در زیاد شدن شناخت و نیروی فهم دارد، و چه بسا روش زندگی را تغییر دهد!

**پاسخ:** در گزینه ۱ ربما: چه بسا، یغیر: تغییر می‌دهد اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۲ لِ به معنی دارد و ترجمه به صورت «برای... است» اشتباه است، آن روش: آن معادل عربی ندارد - در گزینه ۳ «برای... است»، روشهای (اسلوب: روش) و تغییر دهد، اشتباه ترجمه شده است - در گزینه ۴ همه موارد رعایت شده است.